

نامه‌های سرگشاده به سروش ریاضی

سروش عزیزم!

مجله‌ها ده ساله شد! مبارک باشد. همه می‌دانیم به حرف ساده است. ده سال! اما هنگامی که بر می‌گردیم و همه‌ی ما به ده سال گذشته مان رجوع می‌کنیم تازه متوجه می‌شویم که چه زمان زیادی است. خوب و بدش را نمی‌گوییم که البته آن، حسابی جداگانه دارد، منظورم، بیشتر کیفیت ماست پس از این ده سال. آری، همه در این ده سال بزرگ شدیم، ساییده شدیم و شاید پیر شدیم. باز هم می‌دانم از این هم گریزی نیست. مهم این است که سهم ما، ماهایی که فکر می‌کنیم در فرهنگ این سرزمین مادری به اندازه‌ی یک سلول نقش داشته‌ایم و داریم، چقدر است. تا چه میزان توانسته‌ایم تا یک قدمی خود مؤثر باشیم. خود که می‌گوییم منظورم خودم است. خودت است. چون اگر ما در این ده سال نتوانسته باشیم برای خود در مرحله‌ی اول مؤثر باشیم حرف بر سر تأثیرگذاری بر دیگری و دیگران، همان‌هایی که در یک قدمی مان هستند تو می‌دانی و من می‌دانم که شعاری بیش نیست! مجله‌ها ده ساله شد. سهم من در این مجله دو سال بیشتر نیست. دو سال آخر. در واقع دوسالی است که به عنوان نویسنده و گاه گفت‌وگوگر برای آن، برای خودم اندیشیده‌ام، گفت‌وگو کرده‌ام و نوشته‌ام. دو سالی را که می‌دیدم، تو در هر دیدار و هر تماس با تمام دلسردی‌ات از روزگار و زمانه، سینه خیز پیش رفتی و شماره‌های دیگر منتشر کردی. در زمانه و دورانی که همه خوب می‌دانیم سهم ما از خواندن مطالب جدی تا چه اندازه است. نه، نه، نمی‌خواهم کسی را مقصر کنم، یا کسی را زیر سوال ببرم. اصلاً کار ما این نیست. فقط می‌خواهم بگویم که دورانش اقتضا می‌کند که با سینه خیز پیش روی و آن کاری را که فکر می‌کنی مهم است انجام دهی. اما فقط این مهم نیست، مهم‌تر آن است که تا کجا دوام می‌آوری و تداوم داری. و همین تداوم است که اثر خود را می‌گذارد. تو خود بهتر می‌دانی که در همین یکی دو ساله‌ی اخیر چند مجله‌ی موسیقی از ماهنامه به گاهنامه تبدیل شدند و چند تا از همین معدود دیگر انتشار نمی‌یابند.

از زمانه گفتیم. بادم آمد از مطلبی که روح الله خالقی با عنوان "همکاری هنری" در مجله‌ی موزیک ایران نوشته بود. ۵۳ سال پیش. انگار خالقی از همین امروز حرف می‌زند. آنجا که می‌گوید: «البته شک نیست که در کشور ما که خریدار مجلات و کتاب‌های جدی کم است ادامه‌ی انتشار مجله‌ی موزیک بسیار دشوار است و هرگز از نظر مادی مخارجش تأمین نمی‌شود حتی ممکن است ضرر هم داشته باشد و اگر سعی و کوششی را که مدیر مجله در به راه انداختن وسایل انتشار آن تحمل می‌کند یا نویسندگان مجله که همه بدون توقع مادی مطالب مجله را فراهم می‌آورند حساب کنیم این مجله خیلی بیش از آنچه تصور می‌شود از لحاظ مادی کسر هزینه دارد ولی همت و پشتکار آقای هیرید مدیرعلاقه‌مند مجله همه نویسندگان را وادار می‌کند که هر یک به سهم خود اگر خدمتی از دست‌شان ساخته است انجام دهند و ایشان را در پیشرفت مقصود معنوی خود یاری کنند». به نظر می‌رسد در این چرخ گردون داستانی تکراری همچنان تکرار می‌شود. من که از سر ناباوری این درد دل‌های آن استاد بزرگوار را می‌خواندم با خود فکر کردم، سهم من چه اندازه است؟ سهم ما چه اندازه است؟ سروش عزیزم! بگذار این یکی شعار شود اما خودت بهتر می‌دانی که در تمام این ده سال دوستان، هنرمندان، نویسندگان و موسیقی‌دانان زیادی در کنار تو بوده‌اند و با مجله همراه شده‌اند. دوام بیاور. سهم ما از موسیقی همین است.

آخرین روزهای زمستان ۹۵ خورشیدی



مهران پورمندان

آهنگساز، پژوهشگر موسیقی

این جا آن جاست

از نخستین شماره‌هایی که منتشر می‌کردیم، همواره به این فکر بودم که باید برای ده سالگی "گزارش موسیقی" چیزی نوشت؛ مثل فکرهای پر شور و هیجان روزهای اولیه‌ی هر چیز؛ به خصوص که دیده بودم دیگر نشریات هم همین کار را می‌کنند. الآن آن موقع است و مسرورم از پایداری و ماندگاری ده ساله‌ی گزارش موسیقی. چند سال پس از درخواست مجوز انتشار مجله از وزارت فرهنگ و ارشاد، در زمستان سال هشتاد و پنج، مجوزی داده شد که بر اساس آن باید سریعاً اولین شماره‌ی ماهنامه منتشر می‌شد، چرا که در غیر این صورت با لغو امتیاز مجله روبه‌رو می‌شدیم.

شماره‌ی اول مجله به لحاظ تنوع و جذابیت مطالب، با الگو گرفتن از مجله "فیلم" منتشر شد. بعد آن را تغییر دادیم، چون قیاس حضور و فعالیت هنر موسیقی با هنر فیلم در آن/ این دوره‌ی ایران مع‌الفارق بود/ هست. پس بیش‌تر تمرکز کردیم روی حوزه‌های دانشگاهی با بُعدی تخصصی‌تر، با یک ضمیمه‌ی صفحه‌صوتی که مخاطبان را دعوت به شنیدن موسیقی می‌کرد. قطعاتی که می‌توانستید با مراجعه به درون مجله با آفرینندگان آن از جنبه‌های گوناگون آشنا شوید.

این کار ما علاقه‌مندانی پیدا کرد. عزیزانی بودند که می‌خواستند برای گفت‌وگو، ردّ و بدل کردن اتفاقات جهان موسیقی و به چالش کشیدن فضای مطالعاتی به دفتر مجله تشریف بیاورند ولی ما از حضور آن‌ها معذور بودیم. می‌گفتیم که ما خدمت می‌رسیم، چون در واقع دفتر مجله‌ای در کار نبود! جایی که ما فعالیت می‌کردیم نشانی



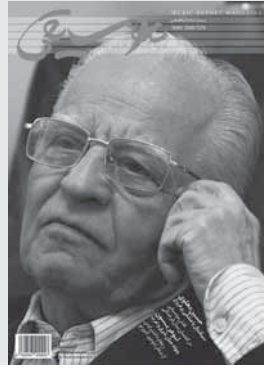
سلام ریاضی

(دبیر سابق هیأت تحریریه)

نمایه‌ی ویژه‌نامه‌های تخصصی



۱۳۹۰



۱۳۹۱



۱۳۹۲



۱۳۹۳



۱۳۹۴

مشخصی نداشت، گاهی خانه‌ی "سروش"، گاهی خانه‌ی من و گاهی جایی دیگر، و این از عدم حمایت بی‌دریغ حمایت‌کنندگان بود. چندین و چند شماره مجله روی لحاف و تشک بر روی زمین افتاده‌ی من بسته شد. ممنون از کسانی که این شرایط را درک کردند و پذیرای ما شدند. البته در این بین مواردی هم بود که نه ما رفتیم و نه آن‌ها آمدند. دیدار و گفت‌وگو با زاویه‌ی دید بزرگان موسیقی آموختنی‌های بسیاری برای ادامه‌ی مسیر زندگی من داشت و دارد. سپاس‌گزاران هستم. همچنان احترام فراوان دارم به دوست‌دارانی که به یاری مجله شتافتند و دیگرانی که انگیزه‌ی شتافتن می‌گیرند تا به کیفیت ثبت مکتوب بخشی از موسیقی به زبان فارسی ارتقا ببخشند. مهم‌ترین کاری که گزارش موسیقی می‌کند بودن و ادامه‌ی حضور است. مرحبا! من هم با تو می‌آیم به ده ساله‌ی آینده. به نمره‌ی بیست...

